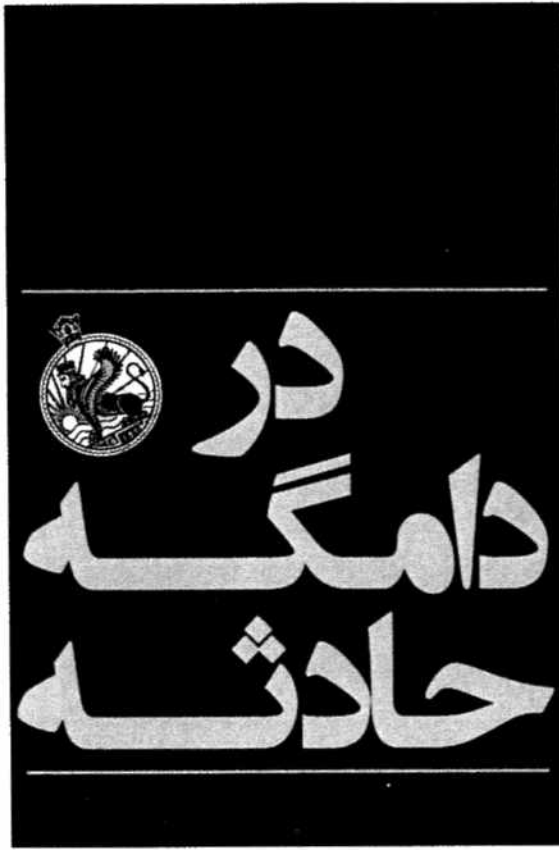


بررسی علل و عوامل فروپاشی حکومت شاهنشاهی



گفتگویی با پرویز ثابتی
مدیر امنیت داخلی ساواک

عرفان قانعی فرد



گفتگویی با پرویز ثابتی (مدیر امنیت داخلی ساواک)

در دامه حادشه

بررسی علل و عوامل فروپاشی حکومت شاهنشاهی

گفت و گو از عرفان قانعی فرد
(محقق تاریخ معاصر)



شرکت کتاب



در دامگه حادثه

بررسی علل و عوامل فروپاشی حکومت شاهنشاهی
گفتگو با پرویز ثابتی (مدیر امنیت داخلی ساواک)

گفتگو از: عرفان قانعی فرد

چاپ نخست: ۲۰۱۲ میلادی - ۱۳۹۰ خورشیدی - ۲۵۷۰ ایرانی خورشیدی

ناشر: شرکت کتاب

موضوع: تاریخ معاصر ایران

سازمان‌های جاسوسی

تیراژ: ۵۵۰۰ نسخه

In The Net of Events

By: Erfan Qaneei Fard

First Edition- 2012

Published by: Ketab Corp. USA

I S B N: 978-1-59584-334-0

© Copyright Ketab Corp. 2012

All rights reserved. No part of this book may be reproduced or retransmitted in any manner whatsoever except in the form of review, without permission of the author or the publisher.

Manufactured in the United States of America

Library of Congress cataloging-in-publication Information

Contemporary History of Iran

Subject: Intelligent Organizations

Savak, The Secret Police of Iran

Ketab Corp.

1419 Westwood Blvd.

Los Angeles, CA 90024 U.S.A.

Tel: (310) 477-7477

Fax: (310) 444-7176

www.Ketab.com

Ketab1@Ketab.com

در دامه حادشه

2-6-12

دوست گرامی آقای مانی فرز

حقن مصاحبه را خواندم و با مهارت و درسی هوشمندی
مرا متغی که در این ۱۰ جلد و استر آن از نظر من بی مانع
است. کز زحمات شما متشکرم
بایمه موفقیت - بدر دین نامی

درین آئینہ کا ذکر ہے چونکہ ہفت آہ

فائس میسکویم و زکنتہ خود لٹاؤم بندہ مفتقر و زہر و محب آن آہ
بیت بر لوحِ دلہم جز الف قاست یا چکنم حرفِ دگر یاد نہ آہ
تا شدم حلقہ بکوشِ در محبتِ عشق ہر دم آید غمی از نو پشیم آہ
عاید گلشنِ ہندم چہ ہم شرحِ فریق کہ درین آئینہ کا ذکر ہے چونکہ ہفت آہ
سن ملک بودم فردوس برین عالم آدم آہ و درین آہ خراب آہ
کو کب بخت مرہب سےج نہم بخت یارب از ما در کسپی چہ طالع ڈا

پاک کن چہرہ حافظہ تہ زلف میکب

در نہ این سیل دما دم بکنہ بنیاد

فهرست

- سخن ویراستار..... ۹
- یادداشت پرویز ثابتی..... ۱۳
- مقدمه پرفسور نادر انتصار..... ۲۱
-
- ۱. ایران در دامگه حادثه..... ۲۵
 - ۲. سیاست امنیتی در برابر مخالفین..... ۲۰۹
 - ۳. سنگ را بستن و سگ را گشودن..... ۳۸۷
 - ۴. در پس پرده ساواک..... ۵۳۳
 - ۵. در حاشیه و بطن انقلاب..... ۶۲۹

سخن ویراستار

پرویز ثابتی^۱، بی‌گمان یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های امنیتی در تاریخ ایران معاصر است که از او، گاه به طور مبالغه‌آمیزی، به عنوان بانک اسرار حکومت گذشته یاد می‌کنند. کسی که در سال ۱۳۳۷ به ساواک پیوست و همراه حوادث دهه ۴۰ و ۵۰ ایران و تا سقوط رژیم محمد رضاشاه پهلوی و فروپاشی ساواک، گام به گام همراه بوده است. هر چند که برخی تندروی‌ها و افراطی‌گری‌ها در روایات تاریخی و مقاصد سیاسی خاص پس از انقلاب اسلامی، موجب شد که گاه برخی از مخالفان او (هواداران حزب توده، جبهه ملی، نهضت آزادی، مجاهدین خلق، چریک‌های فدایی، کنفدراسیون دانشجویی و...) وی را به چهره‌ای خشن و سفاک توصیف کنند و البته شاید خواندن این گفت‌وگو، آن نظریات شخصی را با چالشی جدی روبرو کند.

در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران، افرادی که روایت‌هایی از ساواک را بیان کردند، نخست، حسین فردوست بود و بعدها در خارج از کشور هم عیسی پژمان، منوچهر هاشمی و علی اکبر فرازبان (رییس اداره اطلاعات خارجی و رییس اداره ضد جاسوسی) به توصیف گوشه‌هایی از سازمان اطلاعات و امنیت ایران، اهتمام کردند، اما (هر چند مرکز اسناد وزارت اطلاعات ایران هم تا امروز بیش از ۲۴۰ جلد کتاب اسناد

۱- فرزند حسین، متولد ۴ فروردین ۱۳۱۵، در محله تپه سر، سنگسر (نام دیگر: مهدی‌شهر؛ از توابع سمنان؛ این شهر در جنوب رشته کوه البرز و شمال و شمال غربی، به فاصله حدود ۲۰ کیلومتر از شهر سمنان قرار دارد. سنگسری‌ها از اولین دسته‌های آریایی، پای‌بند به سنن و گویش باستانی خود. مردم سنگسر پیرو ادیان اسلام و بهائی هستند)

منتشر ساخته)، شاید هنوز ناگفته‌های بسیاری در باره این سازمان پرسش برانگیز، وجود داشته باشد، خاصه این که در روزهای اول پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، شخصیت‌هایی مانند (حسن پاکروان و نعمت نصیری و ناصر مقدم^۱) همه روسای ساواک پس از تیمور بختیار) اعدام شدند و افرادی در سطوح پائین‌تر هم، دیگر یا تبعید شدند و هرگز لب به سخن نگوشتند و یا بسیاری از آنان امروزه روز، دار فانی را وداع گفته‌اند. اکثر نوشته‌ها درباره ساواک، حکایت از شکنجه و داغ و درفش است اما آیا این نهاد امنیتی کشور، در ساختار سیاسی ایران، نقشی داشته یا صرفاً دارای نقشی ابزاری در جهت اهداف محمد رضا شاه پهلوی، آخرین پادشاه ایران، بوده است؟

برخی از منتقدان و یا نظریه‌پردازان حکومت قبلی (به عنوان مثال: داریوش همایون) معتقدند که پس از ژنرال حسن پاکروان، هیچ شخصیتی در ساواک، به دانش و فهم و هوش پرویز ثابتی نبوده است. بنابراین به دور از هر پیش‌داوری و قضاوت، بی‌گمان سخنان او (ولو صرفاً به عنوان مدیرکل اداره امنیت داخلی ساواک) اهمیت خاصی دارند.

امروز با انتشار این اثر، به همت یکی از محققان جوان تاریخ معاصر، پرویز ثابتی روزه ۳۳ ساله خود را شکسته است که قبل از انتشار یادداشت‌هایش، در یک گفتگوی تحقیقی، سخنانی را بیان کند که بی‌گمان مواردی را که او اشاره کرده است (با دوری جستن از تعصب و هیاهو) فصل جدیدی را در مباحث انتقادی و شناختی تاریخ معاصر کشورمان، خواهد گشود و شاید در بسیاری از موارد، سخنان وی حتی با افکار ذهنی ما، متفاوت و مغایر باشند. امید است که این اثر مهم و خواندنی، برای نسل جوان امروز ایران، موجب ایجاد انگیزه خوانش تاریخ معاصر ایران و توجه بیشتر به فهم رخدادها و سیر حوادث تاریخ معاصر و نیز گشایش فضا و بستر لازم جهت نقد آنها شود.

۱- نصیری، در دادگاه انقلاب به ریاست آیت الله صادق خلخالی گوی به اعدام محکوم و در ساعت ۲۳:۴۵ روز پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۵۷، بر پشت‌بنام مدرسه رفاه، تیرباران شد. پاکروان و مقدم، روز ۲۲ فروردین ۱۳۵۸ در زندان قصر تهران به اتهام خیانت و مفسد فی‌الارض بودن به دستور محمدصادق صادق گوی معروف به خلخالی (حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب) تیرباران شدند.

تذکر چند نکته لازم و ضروری:

- ۱ - نوارهای گفتگو در نزد آقایان پرویز ثابتی، عرفان قانع‌فرد موجود است.
- ۲ - این گفتگوها (ضمن احترام به آزادی رای آقای ثابتی) بدون کم و کاست و یا اعمال هر گونه سانسور و حذف و جابجایی، عیناً آورده شده است و در اختیار علاقمندان قرار گرفته. و آقای ثابتی بازخوانی نهایی کرده‌اند.
- ۳ - این مصاحبه‌ها، بر اساس توالی رخدادها تنظیم شده‌اند و تا حد ممکن، تسلسل و سیر حوادث، از نظم خاصی برخوردار است.
- ۴ - کلیه وقایع، بر اساس تاریخ آن رخداد، تنظیم شده‌اند و اگر به واقعه‌ای اشاره نشده است، در نوار کاست‌های گفتگو، مطرح نشده‌اند.
- ۵ - در پاورقی‌ها، توضیحات و اطلاعات لازم و ضروری ذکر شده‌اند و نیز اطلاعات دایره‌المعارفی درباره اشخاص آورده شده است. شاید خواندن توضیحات اکثر پاورقی‌ها، در فهم بیشتر موضوع، خواننده را یاری دهد.
- ۶ - ویراستار لازم می‌داند که ضمن سپاس از زحمات و الطاف آقای امین فروغی (از دوستان جناب ثابتی) مراتب قدردانی خود را اعلام دارد.

یادداشت پرویز ثابتی

قبل از آغاز هرگونه گفتگویی علاقمندم نکاتی را یادآور شوم که ممکن است در جریان گفتگو، فرصت و مناسبت برای بیان این نکات دست ندهد. به عقیده من رضا شاه^۱ و محمدرضا شاه^۲ هر یک در برهه زمانی مشخص خود، بهترین و برجسته‌ترین شخصیت‌هایی بوده‌اند که در صحنه سیاسی ایران درخشیده و صادقانه به میهن خود خدمت کرده‌اند و بی‌تردید پادشاهانی وطن‌پرست بوده‌اند که مآثرهای سعی و کوشش خود را برای پیشرفت و ترقی کشور و اعتلای مقام و موقعیت ایران در جهان و دفاع در مقابل منافع و مطامع بیگانگان به کار برده‌اند. یادآوری یکایک خدمات آنها را در اینجا ضروری نمی‌دانم و خوشبختانه اکثریت مردم ایران با پرداخت بهای سنگینی اکنون به میزان زیادی به این واقعیت‌ها، پی برده‌اند.

و همچنین تردیدی در این نیست که هر دو پادشاه در طول مدت زمامداری خود اشتباهاتی را نیز مرتکب شده‌اند که در ارتباط با رضاشاه منتهی به حمله نظامی قدرت‌های بزرگ خارجی به ایران و برکناری او و در مورد محمدرضا شاه هم منجر به برقراری رژیم جمهوری اسلامی^۳ در ایران و فجایع و ضایعات سیاسی -

۱ - ۲۴ اسفند ۱۲۵۶ آلاشت، مازندران، ۴ مرداد ۱۳۲۳ زوهانسبورگ، آفریقای جنوبی؛ شاه ایران (از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰) و بنیانگذار دودمان پهلوی. □

۲ - ۴ آبان ۱۲۹۸، تهران ۵ مرداد ۱۳۵۹، قاهره؛ شاه ایران از ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷. □

۳ - سیدروح‌الله مصطفوی موسوی خمینی (متولد ۱ مهر ۱۲۸۱، مشهور به آیت الله امام خمینی) در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ از فرانسه، روانه ایران شد و در ۲۲ بهمن انقلاب به رهبری او به پیروزی رسید. در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ جمهوری اسلامی مورد همه‌پرسی قرار گرفت و بدین ترتیب نظام حاکم بر ایران از شاهنشاهی به جمهوری اسلامی تغییر یافت و اساس ولایت مطلقه فقیه به‌عنوان پایه‌ی جمهوری اسلامی شناخته شد.

اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن شده است.

دولت استعماری انگلیس ممکن است برای حفظ منافع سیاسی و اقتصادی خود در ایران در زمانی که رژیم کمونیستی^۱ در روسیه^۲ برقرار شده و پادشاهان قاجار^۳ عدم لیاقت خود را در اداره کشور نشان داده‌اند، از روی کار آمدن رضا شاه به عنوان یک مرد مقتدر نظامی حمایت کرده باشد، ولی شواهد تاریخی ثابت کرده است که رضا شاه از ابتدا فردی مستقل و میهن‌پرست بوده که منافع کشور خود را بر مطامع بیگانگان ترجیح می‌داده و قطع نفوذ آنها را در کشور مدنظر داشته و هنگامی که دریافته آنها سد راه و مخالف سیاست‌های او برای پیشرفت صنعتی و اقتصادی کشور می‌باشند به تشخیص صحیح یا غلط خود به توسعه روابط اقتصادی وسیع با کشور آلمان به رهبری هیتلر^۴ روی آورده که در زمان بسیار کوتاهی نتایج گرانبهایی

1- The Soviet Union (Советский Союз), the Union of Soviet Socialist Republics (USSR / U.S.S.R.; Союз Советских Социалистических Республик)

۲ - اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - اتحاد شوروی یا شوروی، کشوری متشکل از روسیه و چندین جمهوری متحد بود، که از زمان تأسیس در ۱۹۲۲ تا زمان انحلال در ۱۹۹۱ بخش بزرگی از شرق اروپا و شمال آسیا را در برمی‌گرفت و پهناورترین کشور جهان بود. اتحاد جماهیر شوروی حاصل انقلاب ۱۹۱۷ روسیه بود و روسیه هم بخش بزرگ‌تر آن را تشکیل می‌داد. پس از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ و در طی دوره‌ای مشهور به جنگ سرد، شوروی و آمریکا ابرقدرت‌های جهانی به شمار می‌رفتند، و بر تمام مسایل جهانی مانند سیاست‌های اقتصادی، روابط بین‌المللی، تحرکات نظامی، روابط فرهنگی، پیشرفت دانش به خصوص در فن‌آوری فضایی تأثیر داشتند. در این کشور تمام قدرت سیاسی و اداری در دست تنها حزب مجاز، حزب کمونیست اتحاد شوروی بود. (ویکیپدیا)

۳ - قاجار، قاجاریه یا قاجاریان / Qajar, Ghajar, Kadjar: دودمانی ترک نژاد که از حدود سال ۱۱۷۰ تا ۱۳۰۴ بر ایران فرمان راندند. ایل قاجار یکی از طایفه‌های ترکمان بود که بر اثر یورش مغول از آسیای میانه به ایران آمدند. آنان ابتدا در پیرامون ارمستان ساکن شدند که شاه عباس بزرگ یک دسته از آنان را در استرآباد (گرگان امروزی) ساکن کرد و حکومت قاجاریه نیز از قاجارهای استرآباد تشکیل یافته است. پس از مرگ کریم خان زند، آغامحمدخان از شیراز فرار کرد و پس از جنگ‌های فراوان سلسله پادشاهی زندیه را منقرض کرد و به پادشاهی رسید. آغامحمدخان، بنیانگذار سلسله قاجاریه، رسماً در ۱۱۷۴ در تهران تاجگذاری کرد و آخرین پادشاه قاجار، احمد شاه در ۱۳۰۴ برکنار شد و رضاشاه پهلوی، جای او را گرفت. سلسله قاجار با کودتای ۱۲۹۹ رضاشاه با حمایت انگلیسی‌ها، قدرت را از دست داد و با انحلال سلسله قاجار توسط مجلس شورای ملی در ۹ آبان ۱۳۰۴، رضا شاه به سلطنت رسید. رضا شاه پهلوی پس از به سلطنت رسیدن بسیاری از وزرا و سفرای دولت قاجاریه را - غالباً از وابستگان خاندان قاجار - به استخدام درآورد که این ارتباط حرفه‌ای تا پایان سلطنت محمدرضاشاه پهلوی نیز ادامه داشت. (پادشاهان قاجار به ترتیب عبارتند از: آغامحمدخان ۱۱۶۱-۱۱۷۶، فتحعلی شاه ۱۱۷۶-۱۱۷۶، محمدشاه ۱۲۱۳-۱۲۲۷، ناصرالدین شاه ۱۲۲۸-۱۲۷۵، مظفرالدین شاه ۱۲۷۵-۱۲۸۵، محمدعلی شاه ۱۲۸۵-۱۲۸۸، احمدشاه ۱۲۸۸-۱۳۰۴)

۴- آدولف هیتلر Adolf Hitler (زاده ۲۰ آوریل، ۱۸۸۹، درگذشته ۳۰ آوریل، ۱۹۴۵) رهبر حزب ملی

از نظر توسعه صنعتی و اقتصادی برای کشور در بر داشته است و همین توسعه روابط، بهانه حمله نظامی متفقین^۱ به ایران و خسارات ناشی از آن شده است. البته علاقه به مال‌اندوزی، از نقاط ضعف او بود که این امر از ارزش خدمات گرانبهای او به کشور^۲ نمی‌کاهد.^۳

محمدرضا شاه هم ذاتا فردی وطن‌پرست و دمکرات بوده^۴ که در ۱۲ سال اول

سوسیالیست کارگران آلمان (Nationalsozialistische Deutsche Arbeiterpartei (NSDAP) بود. او بین سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ صدراعظم آلمان و بعد از ۱۹۳۴، به مقام رییس کشور آلمان و پیشوای رایش سوم Führer und Reichskanzler رسید.

۱- متفقین (Allied Forces)، به معنای کشورهایی که با هم در مقابل قدرت‌های مرکزی در جنگ جهانی اول و نیروهای محور در جنگ جهانی دوم جنگیدند. متفقین اصلی عبارت بودند از فرانسه، بریتانیا، شوروی (از ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱)، آمریکا (از ۸ دسامبر ۱۹۴۱). در واقع جنگ در اروپا از زمان تهاجم به لهستان در ۱ سپتامبر ۱۹۳۹ آغاز شده بود و چندین کشور همسود با بریتانیا روابط خود را با آلمان قطع کردند: استرالیا، کانادا، زلاندنو، آفریقای جنوبی. سوم شهریور ۱۳۲۰ روزی است که نیروهای متفقین خاک ایران را به اشغال خود در آوردند. و تا سال ۱۳۲۴ در اشغال این نیروها باقی ماند. اشغال ایران، عوارض و آثار گوناگونی در پی داشت: از سویی با یورش نیروهای بیگانه تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی ایران پایمال شد که باعث حضور و سلطه قدرت‌های بیگانه شد؛ از سوی دیگر بر اثر بروز جنگ، مشکلات فراوانی از قبیل قحطی، گرانی، کمبود مایحتاج عمومی و ... گریبانگیر مردم شد.

۲- در برخی از کتاب‌های تاریخ معاصر به این نکات و عملکردهایی مثبت او اشاره شده است: ایجاد تشکیلات نوین دادگستری، تهیه و تصویب اولین قانون مدنی ایران، بنیان‌تثبات اسناد و ثبت احوال، لغو کابیتولاسیون، اسکان عشایر، یکی کردن نیروهای نظامی و تشکیل ارتش ایران، تأسیس بانک ملی ایران، ساخت راه‌آهن سراسری ایران، جاده‌سازی در کشور، کشف حجاب، تأسیس رادیو ایران و خبرگزاری پارس، تأسیس دانشگاه تهران، گسترش صنایع، تأسیس فرهنگستان ایران، تغییر تقویم رسمی ایران از تقویم هجری قمری به تقویم خورشیدی جلالی، تغییر نام رسمی کشور در مجامع بین‌المللی از پارس به ایران در سال ۱۹۳۵ و ...

۳- حسین آزموده: دوران رضا شاه، دوران برقراری نظم و انضباط در تمام شئون مملکت بود. وقتی او آمد، ایران یک ملت عقب افتاده و جاهل بود که اگر دختری به مدرسه می‌رفت، آخوندها تکفیرش می‌کردند، ۹۹ درصد ملت، بی‌سواد و عقب افتاده بود و اصلا هیچی نداشت مملکت، هیچ چیز. در یک چنین محیطی، برای برقراری نظم و انضباط، صحبت از دمکراسی و آزادی کردن، اصلا لغت‌های موهومی است و چاره‌ای نداشت که به زور انضباط را برقرار کند و امنیت را از صفر به جانی برساند، مملکتی که رویش بشود حساب کرد. ارتش درست کرد. آموزش و پرورش، بانک و ... نابعه بود و نبوغ فطری ذاتی بود. ۱۰۰٪ احساسات ضد خارجی داشت. و نمی‌توانست قبول کند که انگلیسی‌ها روس‌ها وارد ملک و مملکت شدند، و برای همین استعفا کرد و رفت. در آن دوران انگلیسی‌ها و سیاست عمومی‌شان بر این بود که پی یک مرد لایق و شایسته‌ای می‌گشتند که ایران را از افتادن در کام روس‌ها نجات بدهد و اول، انگلیسی‌ها می‌خواستند سیدضیا طباطبائی باشد، اما رضاشاه از موقعیت استفاده کرد. ...

۴- حسین آزموده: رضا شاه مردی بود دل سوخته، از میان مردم برخاسته، گرسنگی کشیده، پابرهنگی

سلطنت خود کوشیده است موازین قانون اساسی و اصول دموکراسی را رعایت و سلطنت کند نه حکومت و در نتیجه حتی پس از خروج قوای بیگانه از کشور نیز اجازه داده است نمایندگان مجلس با انتخابات نسبتاً آزادتری برگزیده شوند و تعیین نخست‌وزیر^۱ با رای، تمایل و نظر مجلس شورای ملی صورت گیرد ولی تجربه مصدق^۲ سبب شده است که او به این نتیجه برسد اگر دخالتی در اداره امور نداشته باشد سیاستمداران جاه طلب یا عوام‌فریب می‌توانند موجبات برکناری او را فراهم کنند و دریافته است که مردم ایران مانند کشورهای سلطنتی اروپا^۳ فکر نمی‌کنند که وجود رژیم پادشاهی^۴ و یا پادشاه^۵ را سمبلیک^۶ و برای ثبات سیاسی کشور لازم بدانند و خواهند گفت اگر شاه نقشی در اداره امور کشور ندارد، چرا باید در مقام خود بماند و خزانه کشور هزینه حضور او را بپردازد.

با پرهیز از بحث پایان‌ناپذیر درباره واقعه^۷ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ این نکته کاملاً روشن

کشیده، ذلت کشیده، خفت کشیده... اما محمد رضا شاه، پادشاهی بودند که از بچگی در دربار بزرگ شده، در ناز و نعمت و تحصیلات سونیس داشته و دموکرات منش... اصلاً می‌خواستند ژست دموکراسی و دموکرات‌منشی را بازی کنند و در عین حال می‌خواستند مثل پدرش باشد و این دو با هم جور در نمی‌آمد... شتر سواری دولا دولا بود...

۱- محمدعلی فروغی، علی سهیلی، احمدقوام، محمدساعده، مرتضی قلی بیات، ابراهیم حکیمی، صدراالاشراف، رضا حکمت، عبدالحسین هژیر، علی منصور، حاجعلی رزم‌آرا، حسین علاء.

۲- محمد مصدق (۲۹ اردیبهشت یا ۲۶ خرداد ۱۲۶۱ - ۱۴ اسفند ۱۳۴۵) چند دوره نماینده‌ی مجلس شورای ملی، و نخست‌وزیر ایران در سال‌های ۱۳۳۰ تا مرداد ۱۳۳۲ بود.

۳- مانند کشورهای بریتانیا، هلند، نروژ، سوئد، دانمارک و...

۴- پادشاهی مشروطه *Constitutional Monarchy*.

5- King.

۶- نمادین، نمادی *Symbolic*.

۷- که البته ملی‌گرایان از آن به عنوان کودتا یاد می‌کنند اما داریوش همایون ترکیب (عزاداری ۲۸ مرداد) را برای این منظور به کار برد. اصطلاح کودتا ترکیبی است از دو واژه فرانسوی (کودتا - coup) به معنی سرنگون کردن، و (اتا - état) به معنی کشور یا نظام حکومتی که تلفظ انگلیسی آن (استیت - state) است. به این ترتیب، (کودتا = coup de etat) اصطلاحی فرانسوی است که در همه زبان‌های دنیا به همان شکل و مفهوم موجود در زبان فرانسه جاری است، به معنی وارد کردن ضربه (ناگهانی یا سینه‌خیز) برای سرنگون کردن (نظام حکومتی) کشور، از راه خنثی کردن ارکان حکومت (که «دولت» در راس قوه مجریه یکی از ارکان نظام حکومتی شمرده می‌شود)، با یا بدون استفاده از مقداری از قوه قهریه (نیروی نظامی) که جنبه‌ای کاملاً غیرقانونی دارد، چون قانون اساسی کشور را که مشروعیت دهنده نظام حکومتی است، سرنگون می‌سازد. البته اگر کودتا موفق شود، به حکم (حق از آن فاتحان است)، کودتا و حکومت بر آمده از آن را با نوشتن قانون اساسی خود مشروع می‌سازد، یا قانون اساسی موجود را بر اساس ایده‌هایی که منجر به کودتا

است که شاه پس از تجربه مصدق بود که تصمیم گرفت در اداره امور کشور دخالت داشته باشد و این دخالت‌های او در زمینه‌هایی به نفع پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور و در مواردی نیز به زیان آن بوده است. اما اگر فاجعه خسارات و زیانی^۱ که کشور با روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی با آن مواجه شد را به پای اشتباه‌های شاه به حساب نیاوریم، در مجموع کارنامه محمدرضا شاه در مدت ۳۷ سال سلطنت (بخصوص در ۱۵ سال آخر) مثبت بوده‌اند که در اینجا به آن نیز نخواهیم پرداخت. من به مدت کوتاهی (شاید پس از ۳ ماه) پس از آغاز خدمتم در سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) به علت ارایه گزارش‌های تحلیلی راجع به مسایل سیاسی جاری کشور به ریاست بخش بررسی‌های سیاسی در امور امنیت داخلی منصوب شدم. در این سمت در تجزیه و تحلیل مسایل از همان ابتدا خواستم به رده‌های بالاتر در ساواک و کشور و شخص پادشاه، این نکته را توجه دهم که تامین امنیت کشور تنها از طریق سرکوب و مبارزه با سازمان‌ها و گروه‌های مخالف و برانداز، امکان‌پذیر نیست. در یکی از گزارش‌های اساسی نوشته بودم فقر، فساد و بی‌عدالتی موجب عدم رضایت و روی گردانی و توسل به اقدام‌های ضدامنیتی می‌شود. سرکوب این اقدامات نیز آثار و عوارضی به جای گذاشته و عکس‌العمل‌های جدیدی را سبب می‌شود و این دور باطل^۲ همچنان ادامه خواهد یافت تا اینکه سرچشمه آنچه موجب رویگردانی مردم از رژیم می‌شود به حداقل برسد. بنابر این ساواک نه تنها باید با مخالفین رژیم مبارزه کند بلکه باید برای جلوگیری از عواملی که سبب می‌شود مخالفین از آن استفاده کنند نیز تلاش‌ها و اقدامات لازم را به عمل آورد.

در طول دوران خدمتم در ساواک، در هر فرصتی برای مبارزه با عوامل فساد استفاده کرده و گزارش‌های مستند ارائه داده‌ام که چندین بار برای تهیه این گزارش‌ها مورد مواخذه و بازخواست قرار گرفته‌ام تا آنجا که در سال ۱۳۵۰، اسدالله علم^۳ وزیر دربار و سپهبد ایادی^۱ و امیر هوشنگ دولو^۲ از نزدیکان شاه به علت

شده است، اصلاح می‌کند و به خود در کشور مشروعیت می‌بخشد (مانند کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹).

۱- مانند ۶ سال ادامه جنگ، گروگانگیری در سفارت آمریکا، اعدام‌های مخالفان و ...

۲- در منطق آن را دور یا تسلسل باطل / *a vicious circle* می‌نامند.

۳- اسدالله‌خان علم امیر قاینات (مرداد ۱۲۹۸ بیزجند - ۱۵ فروردین ۱۳۵۷ آمریکا)، یکی از مهم‌ترین

اتهاماتی که من به آنها وارد می‌کردم علیه من، به شاه شکایت بردند و من از طرف شاه، تهدید به محاکمه نظامی شدم! (و دلیل اینکه شاه، مثلا گزارش تحلیلی مرا در آذر ۱۳۵۵ نپذیرفت، این بود که او تصمیم گرفته بود با دولت جدید آمریکا، به حای تقابل، تعامل کرده و درگیری ایجاد نکند. چون همانطوریکه در بحث های داخل کتاب، به آن اشاره خواهم کرد، او داشتن روابط صمیمانه با آمریکا را در جهت منافع استراتژیک ایران می دانست و تصور می کرد این بار هم مانند زمان روی کار

چهره‌های سیاسی دوران محمدرضاشاه پهلوی. نخست‌وزیر ایران از سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۴۲ خورشیدی. در آبان ۱۳۴۵ به وزارت دربار منصوب شد. علم برای معالجه بیماری سرطان خون در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۵۶ کشور را ترک کرد. در ۱۳ مرداد ۱۳۵۶ هنگامی که دوران نقاهت را در جنوب فرانسه سپری می‌کرد شاه تلفنی از او خواست که استعفا دهد. اسدالله علم در ۲۵ فروردین ۱۳۵۷ درگذشت.

۱- سپهبد عبدالکریم ایادی فرزند محمدتقی در سال ۱۲۸۶ در تهران متولد شد، وی از خانواده‌های طراز اول بهایی در ایران بود، پدرش از رهبران برجسته بهائی بود. ایادی در فرانسه ابتدا دانشجو دامپزشکی بود، پس از مدتی تغییر رشته داد و در پزشکی مشغول تحصیل گردید، در واقع دو سال رشته دامپزشکی او را به عنوان دوره مقدماتی پذیرفتند؛ وی پس از پایان تحصیلات راهی ایران شد و به خدمت ارتش درآمد. ورود به دربار پهلوی به این ترتیب بود که ابتدا پزشک مخصوص علیرضا پهلوی بود، ایادی عضو باند قاجاق (هوشنگ دولو) نیز بود کار این باند قاجاق مواد مخدر بود. زمانی که عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای ملی به عملکرد دولت (شریف امامی) اعتراض کرده و شکوایه‌ای نیز در خصوص زد و بندهای اقتصادی صاحب منصبان تقدیم مجلس کردند، و از رانت‌های ایادی و سوء استفاده‌های مالی او سخن به میان آوردند. در یک مورد در سال ۱۳۵۴ سوءاستفاده مالی ۲۸ میلیون دلاری شرکت (گرومن کورپوریشن) که تعدادی هواپیمایی اف.۱۴ به ایران فروخته بود فاش شد. این مبلغ به عنوان حق‌العمل برای چند نفر از امرای ارتش و درباریان از جمله محمدعلی قطبی، سپهبد ایادی و نادر جهانبانی و چند نفر دیگر منظور شده بود [شهبازی، علی، خاطرات علی شهبازی محافظ شاه، تهران، اهل قلم، ۱۳۷۷، چاپ اول، ج اول، ص ۲۱۱؛ عاقلی، رضا؛ روز شمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران، نشر گفتار، ۱۳۷۴، چاپ چهارم، ج دوم، ص ۳۰۳].

۲- امیر هوشنگ دولو (فرزند محمدولی خان آصف‌السلطنه در ۱۲۸۵ در تهران به دنیا آمد. پدر او از طایفه دولو ایل قاجار بود و مادرش منیراعظم (دختر کامران میرزا، خاله احمدشاه) به دودمان سلطنتی قاجار بستگی داشت. هوشنگ دولو (به علت نزدیکی با محمدرضاشاه پهلوی) توانست به چپاول و غارت کلان دست زند. محمدرضاشاه پهلوی به علت علاقه به وی فروش (خاویار ایران) را به او سپرد و دولو طی سال‌های مدید انحصار خود را بر تجارت خاویار ایران برقرار ساخت و در مطبوعات غرب به عنوان (سلطان خاویار ایران) شهرت یافت. دولو تجارت خاویار ایران را توسط دختر دایی مادرش (احسان نیک‌خواه معروف به مادام دولو) اداره می‌کرد. هوشنگ دولو به عنوان (آجودان کشوری) شاه، از ارکان شبکه دکتر (فلیکس آقابان) و از گردانندگان مافیای مواد مخدر در ایران، منطقه و اروپا بود. سند بیوگرافیک ساواک در سال ۱۳۵۱ او را چنین توصیف می‌کند: «عیاش، بی‌بند و بار و مشکوک به داشتن اعتیاد به تریاک و متهم به دخالت در قاجاق مواد مخدر و هرویین». [لاریجانی، جمشید؛ دولوی میرینج، تهران، علم، ۷۶، ص ۲۴۳].

آمدن کندی، می تواند با نرمش و مانورهای سیاسی، روابط عادی را حفظ کند. شاید اگر تحلیل مرا می پذیرفت، باید در مقابل رئیس جمهور جدید آمریکا، موضع گیری می کرد.

من خاطرات خود را نوشته‌ام که شامل ۲ بخش اساسی است. بخشی از آن درباره‌ی مبارزه با کمونیسم- تروریسم^۱ و مخالفین رژیم و بخش دیگر هم درباره‌ی مبارزه با فساد، تبعیض و بی‌عدالتی است که در این بخش درباره‌ی هر یک از عوامل فساد در رده‌های بالای کشور با ذکر نام و جزئیات بحث کرده‌ام. به این دلیل هم تاکنون خاطراتم را منتشر نکرده‌ام که انتشار آن مورد سواستفاده رژیم جمهوری اسلامی و مخالفین رژیم سابق قرار نگیرد. گرچه فساد کسانی که من با آنها مبارزه کرده و از آنها نام برده‌ام ممکن است در مقابل فسادی که پس از انقلاب^۲، سران و کارگردانان مشهور رژیم جمهوری اسلامی به آن آلوده شده‌اند کم‌اهمیت باشد و فساد افرادی نظیر علم، ایادی و دولو در مقایسه با فساد رفسنجانی^۳، طبسی^۱،

1- Communism - Terrorism.

۲- بنا بر اخبار مطبوعات و سایت های خبری داخلی ایران، دو نمونه مشهور آن عبارتند از: ۱. اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی یک فساد مالی بود که توسط مرتضی رفیق‌دوست و فاضل خداداد و نیز با تبانی برخی کارمندان بانک صادرات ایران در سال ۱۳۷۴ روی داد. پس از فاش شدن این اختلاس دادگاهی به ریاست غلامحسین محسنی اژه‌ای برای این پرونده تشکیل می‌شود که در آن فاضل خداداد به اتهام فساد مالی و تخلف اقتصادی اعدام می‌شود و مرتضی رفیق‌دوست برادر محسن رفیق‌دوست (از سران سپاه و رئیس پیشین بنیاد مستضعفان و جانبازان که اینک صاحب چندین معدن عظیم در جنوب ایران است)، دیگر متهم پرونده، به حبس ابد محکوم می‌شود. مرتضی رفیق‌دوست، برادر محسن رفیق‌دوست و متهم ردیف دوم اختلاس، اگرچه حبس ابد گرفت، اما تنها شش سال زندان بود که در آن شش سال هم به‌عنوان مامور خرید زندان اغلب خارج از زندان بود. ۲. اختلاس سه هزار میلیاردی از بانک صادرات در تابستان ۱۳۹۰ و در پی اعلام اختلاس حدود ۳ هزار میلیارد تومانی در بانک صادرات توسط موسس بانک آریا و خریدار سهام شرکت‌هایی مانند شرکت های مشمول اصل ۴۴ فولاد خوزستان، مدیرعامل سابق بانک ملی ایران محمودرضا خاوری به کانادا گریخت. در رسانه‌ها گزارش شده‌است که محمودرضا خاوری به دلیل (دست داشتن در این اختلاس) از ایران گریخته و هم‌اکنون در خانه‌ای سه میلیون دلاری در تورنتو کانادا سکونت دارد. غلامحسین محسنی اژه‌ای، دادستان کل کشور، آن را (بزرگ‌ترین اختلاس تاریخ بانکداری ایران) نامید. پرونده (اختلاس سه هزار میلیارد تومانی) که بخشی از آن مربوط به اتهامات فردی به نام (مه‌آفرید امیر خسروی) صاحب مجموعه (گروه امیر منصور آریا) است و بر اساس گزارش‌های منتشر شده وی توانسته است از طریق روابط خاص خود با بانک صادرات و بانک ملی ایران به گشایش اسناد اعتباری به مبلغ صدها میلیارد تومان اقدام کند، بدون آن که تمام یا دست کم بخش عمده‌ای از وجه این اعتبار نامه‌ها را پرداخته باشد.

۳- آیت الله اکبر هاشمی بهرمانی (زاده‌ی ۳ شهریور ۱۳۱۳ در بهرمان) مشهور به اکبر هاشمی رفسنجانی،